وثوق به صدور روایت زراره: «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة»

یکی از آقایان هفته قبل فرمودند نجاشی سیاری را هم تضعیف کرده است و فقط از غضائری نقل نمی‌کند. تعبیر نجاشی که «مجفو الروایه[1]» بود، برای خود عبارت نجاشی است. من نگاه کردم و دیدم بله، ایشان چهار وصف آورده است. دو وصف می‌گوید و بین آن‌ها می‌گوید که غضائری این را فرمود و بعد خودشان دو وصف می‌آورند. «مجفو الروایه»؛ یعنی مطرود. جفا در اینجا به‌معنای ظلم نیست. جفا یعنی شانه خالی کردن و ترک کردن و از او فاصله گرفتن. «تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ[2]»؛ یعنی فاصله می‌گیرد. مجفو الروایه؛ یعنی روایت او مطرود است و از آن فاصله گرفته شده. این برای سیاری است. تنها یک نکته را عرض می‌کنم؛ خیلی مسلم نیست که وقتی نجاشی می‌گوید که اینها برای غضائری است، بعدیش برای خودش باشد و قبلی برای او باشد. چرا؟ چون مانعی ندارد که ابتدا در یک سلکی بگوید و در ادامه هم برای غضائری را بیاورد. مرحوم شیخ همین چهار وصف نجاشی را در الفهرست آورده‌اند بدون اینکه اسمی از غضائری ای نجاشی ببرند. این چهارتا را در کنار هم آورده‌اند. خب اگر برای غضائری باشد دور نیست که ایشان از عبارت ایشان هر چهارتا را در کنار هم بیاورند. نکته ی جالب‌تر این است که در رجال ابن داوود اول وصف او به کتب آل طاهر را می‌آورد و بعد فهرست و نجاشی را در رمزشان می‌آورند و بعد این چهار وصف را می‌آورند و می‌نویسند غضائری. یعنی در تلقی خود ابن داوود اینطور که من دیدم، با علامتی که گذاشته‌اند مجفو الروایه، برای نجاشی نمی‌شود. حال تأمل بیشتری بکنید. علی ای حال آن حرف‌هایی که در مورد سیاری عرض کردم، هست.

علی ای حال می‌توان گفت که روایت زراره مورد وثوق هست. ولو به اصطلاح کلاسیک ضعیف است. ضعیف هم ضعیف‌هایی است که در سند می‌تواند یک دیگر را جبران کنند، به واسطه اینکه احتمال تبانی ضعیف است. روایات ضعاف می‌توانند در محتوا یکدیگر را کمک کنند ولو از حیث سند فی حد نفسه همه ضعیف هستند. اما در محتوا محفوف به قرائن باشند. یعنی احتفاف به قرینه به نحوی باشد که وثوق به صدور بیاورد. مثلاً پنج روایت ضعیف است و از حیث سند هیچ‌کدام حد نصاب حجیت را ندارند. اما کسی که مجموع پنج تا را نگاه می‌کند اطمینان به صدور پیدا می‌کند. وثوق به صدور از تشابک و تعاضد چند حدیث ضعیف با هم که فی حد نفسه هیچ‌کدام حجیت ندارند، می تواند حاصل شود. وثوق به صدور به همین معنا است. یعنی احتفاف یک روایتی که سندش ضعیف است به امور بیرون از خودش، یا قرائن داخلی که از نظر منطقی می‌تواند بخش را به اطمینان به صدور ببرد.

شاگرد: تضعیف سیاری مبتنی به غلو است. از بعضی از عبارات هم پیدا می‌شد.

استاد: الا ما کان من غلو و تخلیط.

شاگرد: فقط از این تعبیری نبود. چند تعبیری بود.

استاد: آن چه که من مکرر عرض کردم این بود که سند محوری راه درستی نیست. البته سند را کنار گذاشتن غلط تر است. ما نباید سند را نگاه نکنیم. حتماً باید سند ملاحظه شود اما به‌عنوان ارزش نفسی خود او دقیق‌ترین شماره ارزش را به او نسبت بدهیم، بین صفر و یک. ولی این‌که ما محور را سند قرار بدهیم، نه. این یکی از مؤلفه‌هایی است که در خروجی ارزش دخالت می‌کند. در آخر کار باید برسیم و ببینیم آیا می‌توان به این روایت اعتبار داد یا نه.

---

[1] رجال‌النجاشي ص۸۰

[2] السجده ۱۶

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 12:00:35 ب.ظ .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 09:50:28 ب.ظ .